

کتاب دهم
من دیگر ما

...

تربیت بچه‌های زلال و آزادی استقلال

نقش استقلال در تربیت کودکان و فرزندان

فرزند ما از ما جدا نیست؛ او خود ما است
اما در اندازه‌ای کوچک‌تر

...



سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵
عنوان و نام پدیدآور: تربیت بچه های زلال و آزادی استقلال: نقش استقلال در تربیت کریمانه فرزندان/
نویسنده محسن عباسی ولدی.

مشخصات نشر: قم: آیین فطرت، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
فروست: من دیگر ما: فرزند ما از ما جدا نیست، او خود ماست، اما در اندازه ای کوچکتر؛ کتاب دهم.
شابک: دوره: ۰۰-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸؛ شابک: ۰۰-۷۱-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: *Islam -- Religious aspects -- Domestic education

موضوع: اسلام و آموزش و پرورش

موضوع: اعتماد به نفس در کودکان

موضوع: والدین و کودک

رده بندی کنگره: B۲۵۳/۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۰۲۹۶۹

• من دیگر ما (کتاب دهم) •

نویسنده: محسن عباسی ولدی

ناشر: آیین فطرت

مدیر هنری و طراح جلد: محسن موسی زاده

تصویرگر: سید حسین زاده

گرافیک: گروه هنری آیین فطرت

• www.ketabefetrat.com •

همه‌هنگی پخش: ۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱ با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی یا

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی،

نوبت چاپ: ششم / تابستان ۱۴۰۳ کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه ■ www.ketabefetrat.com ■

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰

کلیه حقوق محفوظ است.

www.ketab.ir

روزگاری است پای درختان بسته ایم.
نسل به نسل زیر باران های پریزی که
از آسمان علم تو بر سرمان می بارد.
ما همه مدیون توایم.
اگر نبود بارش آسمان تو، ما بی خدا روزگار می گذرانیدیم.
کاش یک روز هم بیاید و بنشینیم پای حرف های دلت
و تو از کربلا بر ایمان بگویی.
بی شک تعریف کربلا از زبان تو، تفسیر تازه ای از حسین علیه السلام
روی پیشانی آسمان خواهد نوشت.
چه غبطه برانگیز! چهار ساله بودی که دو امام
استاد عشق و معلم صبر و مدرّس رضا شدند برایت.
دستی بکش بر نگاهمان تا کربلا را از پنجره چشمان تو ببینیم.
غصه جانمان را نخور، کربلا را ببینیم و بمیریم، عاقبت بخیر مرده ایم!

تقدیم به | باقر کربلا!

فهرست منِ دیگرما/ کتاب دهم

۱۱ • مقّمه

بخش اوّل

چرا استقلال را باید آزاد کنیم؟

- ۱۹ • مروری بر بحث استقلال و کرامت
- ۲۱ • آثار استقلال
- ۲۱ • الف) استقلال و کمک به شناخت خویش
- ۲۳ • ب) استقلال و بزرگ شدن روح
- ۲۴ • ج) استقلال و تقویت احساس نیاز به خدا
- ۲۶ • چرا به فرزندان استقلال نمی دهیم؟
- ۲۶ • الف) دل سوزی افراطی
- ۲۸ • ب) بی اعتمادی به فرزندان
- ۲۸ • ج) حساسیت بیش از اندازه، نسبت به تصمیم و عمل اشتباه
- ۳۳ • د) غرور آفرین بودن استقلال
- ۳۵ • هـ) برای استقلال دادن وقت هست دیر نمی شود

بخش دوم

چگونه استقلال را خُزم و دل شاد کنیم؟

- ۴۳ • فصل اوّل در کارها، پای استقلال را نشکنیم
- ۴۵ • ضرورت استقلال دادن در انجام گرفتن کارها

- ۴۷ برخی از مصادیق استقلال در انجام دادن کارها
- ۴۷ الف) غذا خوردن
- ۴۹ ب) پوشیدن لباس
- ۵۰ ج) ناخن گرفتن
- ۵۱ د) اتو کشیدن
- ۵۳ هـ) برنامه درسی
- ۵۶ و) لباس شستن
- ۵۷ ز) غذا پختن

• ۵۹ فصل دوم در تصمیم‌ها بال استقلال را نکتیم

- ۶۱ ضرورت استقلال دادن در تصمیم‌گیری‌ها
- ۶۷ برخی از مصادیق استقلال در تصمیم‌گیری
- ۶۷ الف) انتخاب رشته
- ۷۱ ب) انتخاب کلاس‌های غیر درسی
- ۷۲ ج) انتخاب پوشاک
- ۷۶ د) انتخاب دوست
- ۷۸ هـ) انتخاب شغل
- ۸۸ و) انتخاب محل زندگی
- ۱۰۱ ز) زندگی مستقل

بخش سوم

کوی استقلال را چگونه آباد کنیم؟

- ۱۱۳ الف) همه‌کاره خداست
- ۱۱۶ ب) نگاه از بالا و همه جانبه به تربیت
- ۱۱۶ ج) توجه به قواعد تربیت
- ۱۱۸ د) توجه به فرصت رفت و برگشت
- ۱۲۷ هـ) نگاه به افق‌های دور
- ۱۲۹ و) گفتگو در باره دلیل محدود کردن
- ۱۳۱ ز) جلب اعتماد
- ۱۳۱ یک. صداقت
- ۱۳۲ دو. خوش قولی
- ۱۳۳ سه. خوش اخلاقی
- ۱۳۴ اول. رابطه اخلاق خوب ما و قضاوت فرزندانمان
- ۱۳۵ دوم. رابطه اخلاق خوب ما و جلب محبت فرزندانمان
- ۱۳۸ سوم. پیامی که خوش اخلاقی یا بد اخلاقی، منتقل می‌کند

• ۱۴۱ چهار. حق پذیری

• ۱۴۶ پنج. رازداری

• ۱۴۸ ح) ناامید نشدن

• ۱۵۳ آنچه خواندید

• ۱۵۷ آنچه در کتاب بعدی می خوانید

• ۱۵۸ حرف آخر

• ۱۵۹ منابع

www.ketab.ir

وقتی که انقلاب پیروز شد، سنّ بالایی نداشتم؛ اما کمی که از انقلاب گذشت، خددم را شناختم و با او هم آشنا شدم. نامش را در میان انقلابی‌ها خیلی می‌شنیدم. راستش آن چنان که حقّش بود، نمی‌شناختمش؛ ولی در دل مدّتی پیش داشتم. در راه‌پیمایی‌ها همیشه همراهان بود. پای ثابت همهٔ حرف‌هایی بود که از دل انقلابی‌ها بلند می‌شد. پدر و مادرم همیشه از او می‌گفتند. در رادیو و تلویزیون هم هیچ گاه او را فراموش نمی‌کردند.

بالادستِ کوچه‌مان میدانی بود که به آن «اسبی» می‌گفتند؛ میدانی که شبیه نعل اسب بود و از بالا تا پایین آن، حوضچه‌هایی بود که آب حوضِ بالادستی در حوضِ پایینش می‌ریخت. چند سال بعد از انقلاب، میدان را به نام همان دوستِ آشنا زدند. روی تابلوها دیگر نامی از میدانِ اسبی نبود. می‌نوشتند: میدانِ استقلال.

در همان روزها بود که یکی از پرترفدارترین تیم‌های کشورم را همانم او کردند. حتماً فهمیده‌اید از چه کسی حرف می‌زنم. بله، از «استقلال» دوستِ آزادی، شعار همیشهٔ مردمِ کشورم: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی.

معلم‌ها سر کلاس، استقلال داشتن را این طور معنا می‌کردند: به کسی وابسته نباشیم، روی پای خود بایستیم، در تصمیم‌گیری‌ها به کشورهای خارجی متکی نباشیم و گلی‌ممان را خودمان از آب بیرون بکشیم.

معلم‌ها می‌گفتند کشورهایی که استقلال ندارند، نمی‌توانند پیشرفت کنند. آنها به ما آموختند که کشورهای وابسته، از ثروت‌های خودشان نمی‌توانند استفاده کنند. آنها هر اندازه هم که ثروتمند باشند، باز هم فقیرند.

کوچه‌ها و خیابان‌ها و میدان‌های بسیاری در کشورمان به «استقلال» نامیده شد تا همه بدانیم که استقلال چه قدر مهم است. وقتی به مدرسه تربیت شدم و به دنبال راه‌های تربیت دینی گشتم، فهمیدم که استقلال فقط یک شعار و سیاست کلان برای یک کشور نیست. قبل از همه، استقلال، ستونی محکم برای تربیت فرزندان است.

هر چه بیشتر پیش رفتم، بیشتر فهمیدم که استقلال باید شعار حقیقی همه والدین در تربیت فرزندان باشد و همه باید طرفدار استقلال باشند. رنگ استقلال در وادی تربیت، آبی هم اگر باشد، از جنس آبی‌های زمینی نیست. استقلال به رنگ آبی آسمان است تا نشان از وسعت روحی داشته باشد که مستقل تربیت می‌شود. استقلال، آبی است؛ یعنی مثل آب است. روح کسی که مستقل تربیت می‌شود، زلال و شفاف است.

من دلم برای استقلال می‌سوزد؛ چون آن طور که باید، حقش ادا نشده است. نمی‌دانم چرا برخی از والدین، به استقلال محل

نمی‌گذارند؟ مگر نمی‌دانند بدون تربیت بچه‌های مستقل، نمی‌توان کشوری مستقل داشت؟ چگونه باید به آنها گفت: شما باید روح استقلال را با تربیت صحیح در فرزندان خویش بدمید تا وقتی بزرگ شدند، تاج استقلال را بر سر کشورشان بگذارند؟

من دلم برای استقلال می‌سوزد. پدر! مادر! استقلال در بند است. چرا آزادش نمی‌کنیم؟

ایستادن پای استقلال کشور هزینه دارد. کسی در این تردید ندارد. تربیت مستقل فرزندان نیز بی هزینه نیست؛ اما همان طور که هزینه‌های استقلال کشور را می‌پردازیم و به آن افتخار می‌کنیم، باید پای هزینه‌های استقلال فرزندانمان هم بایستیم. چرا حاضر نیستیم هزینه استقلال فرزندانمان را بپردازیم؟

من دلم برای استقلال می‌سوزد. پدر! مادر! استقلال در بند است. چرا آزادش نمی‌کنیم؟

ما به پیشرفتی که با وابستگی به دست می‌آید دل خوش نمی‌کنیم و اصلاً آن را پیشرفت نمی‌دانیم. اگر نصف راهی را که با وابستگی می‌شود پیمود، خودمان طی کنیم، احساس پیشرفت بیشتری می‌کنیم؛ اما چرا در تربیت فرزندانمان این گونه فکر نمی‌کنیم؟

من دلم برای استقلال می‌سوزد. پدر! مادر! استقلال در بند است. چرا آزادش نمی‌کنیم؟

چه قدر ناله و نفرین پشت سر حاکمانی است که به استقلال کشور پشت کردند! ما آنها را مقصّر عقب ماندگی کشورمان می‌دانیم. والدینی که به استقلال فرزندانمان فکر نمی‌کنند، نگران ناله و

نفرین نیستند؟ آنها خودشان را مقصّر عقب ماندگیِ فرزندانشان نمی دانند؟

من دلم برای استقلال می سوزد. پدر! مادر! استقلال در بند است. چرا آزادش نمی کنیم؟

استقلال و کرامت دوست دیرینه هم هستند. استقلال پاره تن کرامت است. کرامت بدون استقلال افسرده و غمگین است. استقلال که نباشد، کرامت فلج می شود. یعنی والدینی که به استقلال فرزندانشان اهمیتی نمی دهند، دلشان برای کرامت نمی سوزد؟

من دلم برای استقلال می سوزد. پدر! مادر! استقلال در بند است. چرا آزادش نمی کنیم؟

استقلال یعنی: بیشتر از این از ما غمگین نباش! شاید غفلت دورمان زده باشد و ما را از تو پرت کرده باشد؛ ولی ما همان هایی هستیم که برای این که تو را به کشورمان بیاوریم، خون دادیم. پس معلوم است که ما را می دانیم؛ ولی راستش را بخواهی، فکر نمی کردیم که هدیه دادن تو به فرزندانمان لطف ما در حق آنها نیست، ادای دین و وظیفه ای است که بر عهده داریم. حالا می خواهیم دیوار غفلت را بشکنیم، تو را در وادی تربیت خوب بینیم، فرزندانمان را با تو آشنا کنیم و تو را در کنار آنها بنشانیم. فقط کمی به ما وقت بده. می خواهیم بیشتر در باره تو بدانیم و ایمانمان را به ضرورت حضوری تو در وادی تربیت بیشتر کنیم، تا بی آن که دلمان بلرزد و تردیدی در آن راه یابد، تو را به فرزندانمان هدیه کنیم. ما برای زلال کردن تربیت فرزندانمان تو را آزاد خواهیم کرد، استقلال!

به اندازه خواندن این کتاب، تاب بیاور و به ما مهلت بده. خدا نکه دار تو بوده است، نکه دار ما و فرزندانمان هم باشد!

...

خدا را شکر می‌کنیم که توفیق داد تا کتاب دهم از مجموعهٔ من دیگر ما را به دست شما برسانیم. این کتاب سومین خوان تربیت کریمانه است. در خوان اول، سخن از آثار تربیت کریمانه بود که کتاب هشتم عهده دار بیان آن بود. در کتاب نهم وارد خوان دوم از تربیت کریمانه شدیم و موضوع روش‌های تربیت کریمانه را آغاز کردیم. در روش‌های تربیت کریمانه نقش گزاره‌های تصویری را بررسی کردیم و پس از آن به سراغ راه‌های رفتاری رفتیم. در مصادیق گزاره‌های رفتاری به استقلال خوان دوم را به پایان بردیم؛ زیرا استقلال نیازمند خوان مستقل و مجلی بود.

هم‌اکنون در خوان سوم تربیت کریمانه بحث استقلال را به صورت مستقل بررسی می‌کنیم. این موضوع در سه بخش به شما ارائه می‌شود. در بخش یکم با عنوان «چرا استقلال را باید آزاد کنیم؟»، به چرایی ضرورت استقلال دادن پرداخته و به این سؤال نیز پاسخ داده‌ایم که چرا والدین به فرزندان استقلال نمی‌دهند؟

بخش دوم «با چه استقلال را خُرم و دل شاد کنیم؟» نام دارد. در این بخش محدودهٔ استقلال را در دو فصل بررسی کرده‌ایم. فصل یکم با عنوان «در کارها پای استقلال را نشکنیم» به استقلال در کارها اختصاص یافته است. در فصل دوم نیز به استقلال در تصمیم‌گیری‌ها پرداخته‌ایم و عنوان آن، این است: «در تصمیم‌ها، بال استقلال را نکنیم».

در بخش سوم این کتاب بایدهای تفکری و مهارتی در مسیر استقلال دادن به فرزندان مورد بحث قرار گرفته است. این بخش «کوی استقلال را چگونه آباد کنیم؟» نام دارد. امید است این کتاب بتواند راهی روشن در مسیر تربیت فرزندان، پیش روی شما بگشاید.

همچنان برای من دیگر ما دعا کنید که راه نرفته بسیاری دارد. شماره سامانه پیامکی ما (۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰) را به خاطر داشته باشید و ما را از پیشنهادهای، انتقادات و تجربیات خود، مطلع سازید.

قم، شهر بانوی کرامت
بهار ۱۳۹۹
محسن عباسی ولدی

www.ketab.ir